

به نقل از : ماهنامه کارگری، ارگان کارگری چریکهای فدایی خلق ایران
شماره ۱۱ ، آذر ماه ۱۳۹۳

از کارگران چریک فدائی خلق بیاموزیم ! رفیق نوروز قاسمی

رفیق نوروز قاسمی کارگر کارخانه قند میاندوآب بود که به عنوان یک کارگر آگاه ، در انقلاب سال های ۵۶-۵۷۵۷ فعالانه شرکت نمود و در آن دوران انقلابی با همکاری تتی چند از کارگران آگاه کارخانه قند، شورای کارگری این کارخانه را پایه گذاشتند.

رفیق نوروز در سال ۱۳۳۷ در روستای "بادیجان" از توابع میاندوآب در یک خانواده زحمتکش بی زمین دنیا آمده بود. در دوران کودکی ضمن درس خواندن ، به کار در مزارع مشغول بود و بعداً همراه خانواده اش به شهر میاندوآب آمد و به کارگری پرداخت. او با کار در کوره پزخانه ها و کارگاه های بلوک زنی، موزاییک سازی و کارخانه قند میاندوآب حداقل معاش خود و خانواده خویش را تأمین کرده و علیرغم کار طاقت فرسا، شب ها به تحصیل خود ادامه می داد.

مطالعه فشرده و شور بی پایان برای دانستن و آگاه شدن در شرایطی که وی با پوست و گوشت خود شرایط طاقت فرسایی که سرمایه داران بر کارگران تحمیل نموده اند را درک می کرد به تدریج از وی کارگری پیشرو ساخت که با اعتقاد به این واقعیت که تنها راه رسیدن به آزادی مبارزه مسلحانه است به سازمان چریکهای فدائی خلق ایران پیوست. اما این کارگر آگاه خیلی زود متوجه شد که آن سازمان ، در حالی که نام سازمان مفتاحی ها، احمدزاده ها و پویان ها و حمید اشرف ها را با خود حمل می کند ولی دیگر همان سازمان گذشته نیست. از این رو پس از اعلام موجودیت چریکهای فدایی خلق ایران در اوائل سال 58 قاطعانه در مقابل اپورتونیست های لانه کرده در آن سازمان ، ایستاد و فعالانه به دفاع از مواضع چریکهای فدایی خلق ایران برخاست.

چریک فدایی خلق، رفیق نوروز به مثابه پرولتری آگاه، در شرایط بعد از قیام بهمن، اعتصاب کارگران کارخانه قند میاندوآب را برای دریافت حق بیمه، عیدی و ... سازمان داد. او در نطقی که در جریان این اعتصاب برای کارگران نمود اعلام کرد که "تنها این چریکهای فدایی خلقند که می توانند به تمامی مظالم حاکم پایان بخشند" و کارگران با شعار "درود بر فدایی" به تأیید سخنان او پرداخته، دست به راهپیمایی زده و رئیس کارخانه را در اطافش زندانی نمودند و کارخانه را مصادره کردند. هجوم پاسداران جمهوری اسلامی به کارخانه قند نتوانست اعتصاب را درهم بشکنند و کارگران خواست های خود را گرفتند. بدین ترتیب اعتصاب ۲۰ روزه ی کارخانه قند تأثیر به سزایی در بالا بردن آگاهی کارگران داشت. پس از آن بود که کارگران کارخانه قند میاندوآب به حمایت از کارگران بیکار میاندوآب برخاستند و با راهپیمایی و تحصن در مسجد شهر همبستگی کارگران را به نمایش گذاشتند. رفیق نوروز در این حرکت کارگری نیز به عنوان نماینده ی کارگران طی سخنانی خواست های کارگران را در ۱۶ ماده اعلام کرد. ایمان راسخ رفیق قاسمی به تئوری مبارزه مسلحانه و درک عمیق او از ماهیت رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی به او امکان می داد تا در مبارزات کارگری، به مثابه یک عنصر رهبری کننده شرکت کرده و این مبارزات را به سمت و سویی انقلابی هدایت کند. همین درک صحیح و شور انقلابی رفیق بود که کارگران را به او علاقمند ساخته و به او اعتبار می بخشید.

رفیق نوروز یک بار در حین مسافرت به مهاباد برای انجام وظایف تشکیلاتی، توسط پاسدارانی که به وی مشکوک شده بودند دستگیر شد. ولی چون مزدوران نتوانستند وی را بشناسند، پس از یک ماه و نیم زندانی بودن در مراغه آزاد گشت و پس از آن توسط سازمان به گُردستان منتقل گردید. در گُردستان، رفیق نوروزی در دوره آموزشی رفیق شهید عباس دانش بهزادی شرکت کرد و پس از آن با نام تشکیلاتی "امیر" در چند عملیات نظامی از جمله مصادره تانکرهای نفت توسط چریکهای فدائی خلق در گُردستان شرکت کرد.

رفیق نوروز در حین یک ماموریت، همراه چند تن دیگر از رفقا در راه میاندوآب - مهاباد در زمستان ۵۹ دستگیر شد. این بار هم دژخیمان جمهوری اسلامی قادر نشدند کمترین اطلاعاتی از این رفیق کسب کنند. در زمانی که رفیق نوروز در زندان بود، سازمان برای معاوضه او با چند تن از مزدوران رژیم که در گُردستان به اسارت درآمده بودند اقدام نمود. اما این معاوضه مقارن با به هلاکت رسیدن بهشتی مزدور و دیگر شرکایش گردید که با آن، دوره جدیدی در خون ریزی های رژیم آغاز شده و جمهوری اسلامی اعدام های ددمنشانه خود را شدت بخشید. بدین ترتیب رفیق نوروز قاسمی، این فرزند دلیر طبقه کارگر همراه با چریکهای فدایی خلق؛ رفقا بهزاد مسیحا و روح انگیز دهقانی در هشتم تیرماه سال ۶۰ به جوخه های اعدام سپرده شدند.

امروز که یاد و خاطره رفیق نوروز را گرامی می داریم پیام این کارگر آگاه و پیشرو در سطحی هر چه وسیع تر شنیده می شود که کارگران به آزادی دست نخواهند یافت مگر این که عامل اصلی ادبار خود را هدف قرار دهند. یعنی بدون نابودی نظام سرمایه داری وابسته حاکم که جمهوری اسلامی، این رژیم دار و شکنجه با چنگ و دندان از آن محافظت می کند، هیچ سخنی از رهائی کارگران در میان نخواهد بود.